

# سیاست دایاسپورایی جدید ترکیه؛ چالش‌های فراگیری، توسعه و ظرفیت<sup>۱</sup>

مترجم: نسترن محمدحسینی  
تابستان ۱۴۰۲



اندیشکده دیاران



diaran\_ir

1. TURKEY'S NEW DIASPORA POLICY: THE CHALLENGE OF INCLUSIVITY, OUTREACH AND CAPACITY.  
KAREM OKTEM. ISTANBUL POLICY CENTER, SABANCI UNIVERSITY STIFTUNG MERCATOR INITIATIVE.

## فهرست

۳	مقدمه
۵	خلاصه اجرایی
۷	معرفی
۹	منابع و پیشینه سیاست‌های دایاسپورایی ترکیه؛ دیدگاه‌های تجربی و ایدئولوژیک
۱۲	یک سیاست دایاسپورای سازنده برای ملت-جهانی؟
۱۷	کجا باید تاکید کرد؟
۲۰	نتیجه

## مقدمه

مقاله حاضر، تلاشی است که توسط مرکز سیاست استانبول<sup>۱</sup> وابسته به دانشگاه سابانجی ترکیه<sup>۲</sup> نگارش شده است. این مرکز یک مرکز تحقیقاتی مستقل است که در زمینه سیاست در سطح جهانی فعالیت می‌کند. کریم اوکتتم<sup>۳</sup> نویسنده این گزارش، از جمله افرادی است که در این مرکز تحقیقاتی در دانشگاه سابانجی ترکیه مشغول به فعالیت است. این پژوهشگر از جمله افرادی است که تاکنون تلاش‌هایی را در حوزه اندیشه و دانشگاهی در خصوص موضوع نسل‌کشی ارمنه داشته و به آن پرداخته است. او در مقاله‌ای به معرفی چهار کتاب در خصوص نسل‌کشی ارمنه پرداخته و تلاش کرده پرتوهای تازه‌ای بر این نسل‌کشی در ترکیه عثمانی بیندازد. کریم اوکتتم اطلاعاتش را با کمک همکارانش در IPC و فراتر از IPC و دانشگاه سابانجی، همکاری با الیز ماسیکارد و گروه تحقیقاتی نیروی نرم ترکیه در موسسه فرانسوی آناتولین<sup>۴</sup> و همکارانش در کارگاه ترک سازی در خارج از کشور، تکمیل کرده و این مقاله را در سال

1. Istanbul Policy Center (IPC)
2. <https://www.sabanciuniv.edu/en>
3. Kerem Öktem
4. Institut Français d'Etudes Anatoliennes

۲۰۱۴ منتشر کرده است. این مقاله به رویکرد ترکیه که در آن زمان جدید محسوب می‌شد، در خصوص سیاست‌های دایاسپورایی‌اش می‌پردازد. علت انتخاب و اهمیت این مقاله برای ترجمه از دیدگاه نگارنده این سطور در این بوده است که، این مقاله، چشم‌انداز خوبی در مورد سیاست‌های دایاسپورایی ترکیه، در ابتدای مسیرش به ما ارائه می‌دهد. با آنکه سال‌های زیادی از انتشار این مقاله می‌گذرد و تاکنون کشور ترکیه با چالش‌های متفاوتی در سیاست خارجی و جوامع دایاسپورایی مواجه شده، اما این مقاله چالش‌هایی را بررسی می‌کند که برای طراحی سیاست و سیاست‌گذاری دایاسپورایی در هر زمان لازم است به آن‌ها توجه شود.

در واقع اگر بخواهیم به نگاهی مقایسه‌ای در خصوص سیاست‌های دایاسپورایی ترکیه و ایران برسیم، بهتر است ابتدای مسیر این سیاست‌ها و نهادهای ایجاد شده را در ترکیه مطالعه کرده و به شناختی نسبت به چالش‌های بنیادین این سیاست‌ها برسیم. در این مقاله پس از آوردن پیشینه تاریخی سیاست‌های طراحی شده، بیان می‌کند دولت ترکیه به منظور ساماندهی سیاست‌های دایاسپورایی به راه حل تاسیس یک نهاد رسیده که موازی با وزارت خارجه، به اجرای سیاست‌های دایاسپورایی می‌پردازد و سپس فعالیت‌های این نهاد را، بررسی کرده، نقاط قوت و نقاط ضعف و همچنین، مهم‌ترین چالش‌هایی را که در اجرای این سیاست‌ها با آن مواجه است را بیان می‌کند. چگونگی فراگیری و شمولیت بالای این سیاست‌ها، به طوریکه همه جامعه شهروندان خارج از کشور، با ایدئولوژی‌های مختلف را شامل شود، توسعه جامعه مدنی و مشارکت این جامعه در انتخابات و افزایش ظرفیت‌های داخلی برای بیشتر شدن حمایت‌های دولت از این جامعه، از جمله چالش‌هایی است که دولت ترکیه در طراحی و اجرای سیاست‌های دایاسپورایی با آن مواجه بوده است. سیاست‌های دایاسپورایی ترکیه در جایی اهمیت پیدا می‌کند که هم از طرفی فعالیت‌های ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا و تلاش برای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای و جهانی را مشاهده کنیم و هم شرایطی که مهاجرین در کشورهای مقصد با آن مواجه می‌شوند را ببینیم. در این شرایط نقش حمایت‌های این دولت از شهروندان و سیاست‌ها و نهادهایی که این نقش حمایتی را برعهده دارند، پررنگ می‌شود.

## خلاصه اجرایی

ترکیه دارای جوامع مهاجر بسیاری در خارج از کشور و همچنین دارای جوامعی با ریشه‌های هویتی مختلف است که اعضای آن در داخل مرزهای آن ساکن هستند و احساس می‌کنند با ایالت‌ها یا مناطق دیگر مرتبط هستند. بسیاری از این جوامع از زمان پیدایش ترکیه در دهه ۱۹۲۰ توسط دولت-ملت مدرن ترکیه نادیده گرفته شده یا با سوءظن به آن‌ها نگاه شده است. اما اخیراً ترکیه شهروندان خود در خارج از کشور و جوامع دایاسپورا را در داخل "کشف" کرده است، به نظر می‌رسد این توجه، به طور علنی با جاه‌طلبی‌های رو به رشد ترکیه و توانایی‌هایش در "قدرت نرم" مرتبط باشد. ذیل حزب عدالت و توسعه، در سال ۲۰۱۰ تلاش‌ها برای یک سیاست هماهنگ دیاسپوایی به اوج خود رسید. سیاست خارجی ترکیه و تأثیرات مطلوب و واقعی آن بر جوامع دایاسپورای ترکیه با سازماندهی ترک‌های خارج از کشور شکل جدید به خود گرفت. آیا این یک «سیاست جدید دایاسپورا» است که در جهت افزایش نفوذ ترکیه در خارج طراحی شده یا تلاشی است برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان ترکیه‌ای، که اغلب در کشورهای اروپای غربی با تبعیض مواجه می‌شوند؟ یا نمونه‌ای از سیاست خارجی سازنده در جهت ایجاد دایاسپورا در میان گروهی از مردم است که اکثر آن‌ها اشتراکات بسیار کمی با یکدیگر دارند؟



بر اساس پژوهش میدانی کیفی، در ریاست جمهوری، این مقاله استدلال می‌کند که سیاست جدید دایاسپورا ترکیه همه این رویکردهای مختلف را ترکیب می‌کند. این گشودگی و انعطاف‌پذیری یک نقطه قوت بزرگ است، حتی اگر چالش‌های سیاسی مهمی در انتظار سیاست‌های دایاسپورایی ترکیه باشد. با این اوصاف، در این مرحله بهتر است در مورد جهت‌گیری این سیاست‌ها و راه‌های افزایش احترام بین‌المللی شهروندان ترکیه، بحث کنیم. این موضوع از این جهت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که ترک‌های خارج از کشور در اتحادیه اروپا تحت تأثیر احزاب سیاسی نژادپرست و اسلام‌هراسی، تبعیض‌های بیشتری را تجربه می‌کنند. هم‌چنین اینکه، مناقشات بر سر صدمین سالگرد نسل‌کشی ارمنه در سال ۲۰۱۵ فشار جدیدی را به روابط بین جوامع ترک، کرد و ارمنی در خارج از کشور ایجاد خواهد کرد. راه حل این دو چالش، یک سیاست فراملی دایاسپورایی<sup>۱</sup> خواهد بود.

## معرفی

میلیون‌ها نفر در اروپا، ایالات متحده و فراتر از آن به هر طریقی با ترکیه در ارتباط هستند. از اولین "کارگران مهمان" در اروپای غربی گرفته تا موج‌های مهاجرت اخیر به ایالات متحده، از جوامع ترک قومی در بالکان تا افرادی که ادعای میراث مذهبی یا فرهنگی مرتبط با ترکیه را دارند، به همین جهت می‌بینیم که پتانسیل وسیعی برای یک سیاست جامع دایاسپورایی در قبال ترک‌های خارج از کشور، در ترکیه وجود دارد. در دوران جمهوری خواهی از دهه ۱۹۲۰، روابط ترکیه با گروه‌های پراکنده‌اش در خارج از کشور، خاموش یا فقط به زیرگروه‌های خاص، مانند سازمان‌های ترک قومی در بالکان محدود می‌شد. اما با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه (AKP) سیاست خارجی انزوا طلبانه، جای خود را به تعامل فعالانه‌تر با گروه‌های متعدد ترکیه داد.

برخلاف دیدگاه نسبتاً نخبه‌گرایانه گروه‌های سنتی سیاست خارجی ترکیه، سیاست‌مداران حزب عدالت و توسعه تمایل دارند تا با شهروندان ترکیه در اروپای غربی و مشکلات آن‌ها از زاویه‌ای متفاوت و همدلانه‌تر برخورد کنند. رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه، علاقه شدیدی به وضعیت اسفبار جوامع ترک در خارج از کشور داشته است. به همین علت است که ریاست ترکان خارج از کشور و جوامع وابسته<sup>۱</sup>

1. Presidency of Turks Abroad and Related Communities



تحت حمایت نخست وزیری، در سال ۲۰۱۰ تأسیس شد و بدین وسیله پایه و اساس یک نهاد هماهنگ کننده، برای همه امور مربوط به پراکندگی‌های متعدد ترکیه را پی ریزی شد. این ابتکار از سوی مشاوران نخست وزیر انجام شد و از نظر بودجه‌ای هم مورد حمایت قرار گرفت. در عین حال، حضور فزاینده ترکیه در تعدادی از کشورهایی که مهاجران ترکی در آن زیادند، به ویژه در آلمان، و اصرار رهبران ترکیه بر حقوق فرهنگی و مذهبی مهاجران ترک - یعنی در سخنرانی نخست وزیر اردوغان در شهر کلن در ۳ مه - انتقاداتی را برانگیخته و گاه تنش‌هایی را در روابط ترکیه و به ویژه آلمان ایجاد کرده است. که البته من در ادامه، استدلال خواهم کرد که می‌توان بر این تنش‌ها غلبه کرد. این مقاله فرصت‌ها و چالش‌های سیاست‌های جدید دایاسپورایی ترکیه را از طریق ارزیابی ریاست جمهوری، از ترک‌های خارج از کشور، مورد بحث قرار خواهد داد. مهمتر از همه، این مقاله ارزیابی خواهد کرد که سیاست‌های نهاد ریاست جمهوری تا چه حد می‌تواند پویایی را در میان جوامع دایاسپورایی ترکیه ایجاد کند، به طوریکه به نفع آن جوامع باشد و در عین حال از اهداف بزرگتر سیاست خارجی ترکیه حمایت کند یا حداقل در تضاد با آن نباشد.

روش پژوهش در این مقاله بر اساس بازدید پژوهشی نویسنده از ریاست ترک‌های خارج از کشور و جوامع مرتبط در مارس ۲۰۱۴ است. مطالب مورد بحث از تحلیل محتوای مجله و وب‌سایت ریاست جمهوری، از سخنرانی‌های قبلی و مدیران فعلی، و هم‌چنین از گفتگوهای انجام شده با کارشناسان برجسته سیاست داخلی و خارجی ترکیه در آنکارا و استانبول استخراج شده است.





## منابع و پیشینه سیاست‌های دایاسپورایی ترکیه؛ دیدگاه‌های تجربی و ایدئولوژیک

دایاسپوراهاى ترکیه بدون اینکه با این اصطلاحات مفهوم‌سازی شده باشند، وجود داشته‌اند. تا همین اواخر، "دایاسپورا" در ترکیه به عنوان واژه‌ای با مفاهیم منفی مرتبط با تلاش‌های ارمنستان برای تسریع در روابط بین‌المللی، شناخته می‌شد. در واقع، اصطلاح «دایاسپورا» تقریباً فقط به منظور به رسمیت شناختن نسل‌کشی ارمنه به ویژه در فرانسه و ایالات متحده مطرح می‌شد. حتی می‌توان گفت امروزه هم، این اصطلاح به ندرت استفاده می‌شود. اما روند روشنی در میان اعضای دولت و ریاست جمهوری وجود دارد که در مورد ترک‌های خارج از کشور به عنوان یک دایاسپورای تازه شکل گرفته صحبت کنند. اما قبل از اینکه به تفصیل در مورد این دایاسپوراها در جوامع مختلف صحبت کنیم، در مورد جریان‌های ایدئولوژیکی که پیشینه‌های سیاست کنونی دایاسپورای ترکیه و همچنین مفاهیم زیربنایی آن از شهروندی را شکل داده‌اند، بحث خواهیم کرد.

### مفاهیم انحصاری شهروندی – جدایی از دایاسپوراها

جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ با تز ایدئولوژیک ضد امپراتوری عثمانی، چند مذهبی، چند قومیتی و چند زبانه تأسیس شد. فراتر از مرزهای ترکیه تز تاریخ ترکی و نظریه زبان خورشید نشان می‌دهند که ترک‌ها و زبان‌شان از آسیای مرکزی سرچشمه گرفته و در سطح جهانی گسترش یافته و تمدن‌های بزرگی را پایه‌گذاری کرده‌اند. با این حال، این روایت، تا حدی غیرصادقانه نشان می‌دهد که این ترک‌ها موطن نهایی خود را در آناتولی و در قلمرو جمهوری ترکیه یافته‌اند. بر اساس همین منطق، همه در ترکیه بنا به تعریف و نسبشان ترک بودند، به استثنای جوامع غیرمسلمان که اعضای آن به عنوان شهروندان برابر در نظر گرفته نمی‌شدند، بلکه به عنوان بازماندگان یک امپراتوری در نظر گرفته می‌شدند که در نهایت از بین می‌رفت. این جوامع غیرمسلمان در واقع به دلیل امواج مکرر اخراج و سرکوب، و به دلیل تشکیل دایاسپورای ارمنی در خاورمیانه، آمریکا و اروپای غربی تقریباً ناپدید شدند.

با افول نهایی مفهوم سکولار-نژادگرایانه از ترکی بودن و تغییر ساختارهای قدرت جهانی، تصمیم‌گیرندگان ترکیه به طور فزاینده‌ای خود را با جغرافیای وسیعی خارج



از مرزهای دولت ملی مواجه کردند که در آن به نظر می‌رسید، میراث امپریالیستی، زبانی، فرهنگی و مذهبی، می‌تواند تعداد زیادی از جوامع را به ترکیه مدرن متصل کند. با پایان جنگ سرد، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و یوگسلاوی، روابط ابتدا با مردم ترک آسیای مرکزی و سپس با جوامع ترک و مسلمان اروپای جنوب شرقی ایجاد شد. در سال ۱۹۹۱، اولین آژانس رسمی ترکیه ظهور کرد؛ آژانس همکاری و هماهنگی ترکیه<sup>۱</sup>. فعالیت این آژانس فراتر از حوزه سیاست خارجی بود و به دنبال احیای روابط به ویژه با کشورهای آسیای مرکزی بود.

در طول دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰، جامعه تجاری ترکیه به بخش‌هایی از جهان عرب و مسلمان گسترش یافت، جایی که حاکمان عثمانی یا به آن وارد نشده بودند یا فقط برای مدت کوتاهی وارد آن شده بودند. پس از مدتی، در نهایت، ثابت شد که امواج مهاجرت نیروی کار ترکیه به اروپای غربی و فراتر از آن، جوامعی را ایجاد کرده است که با واژگان محدود پیشین مانند «نخبگان» قابل درک نیست.

کسانی که زمانی «کارگران» خارجی در خارج از کشورشان بودند به عنوان گروهی از مردم ظهور کردند که در نهایت تأثیری ویژه بر فرهنگ عامه ترکیه گذاشتند. به طور خلاصه، با باز شدن درهای ترکیه به روی جهان، در دهه ۱۹۹۰ و سپس با قوت بیشتری در اواسط دهه ۲۰۰۰، ارتباطات امپریالیستی و جمهوری خواهی بیشتر نمایان شد. این سیاست دولتی، طیفی از نقاط عطف تاریخی و اقدامات دولتی را نشان می‌دهد که باعث ایجاد دایاسپورا از مردم ترکیه در خارج از کشور و همچنین جوامعی در داخل ترکیه با قومیت‌های متمایز شده است.

در پس زمینه‌ای که در سیاست جدید دایاسپورا ترکیه اکنون در حال ساخت است یک سوال اصلی این است که؛ آیا چنین گروه ناهمگونی از جوامع با سنت‌های ایدئولوژیک مختلف (پان ترکیسم، پان اسلامیسیم، سیاست‌های شهروندی، ناسیونالیسم) که موقعیت‌های بسیار متفاوتی در ذهن مقامات دولت ترکیه دارند، می‌توانند به عنوان «دایاسپورای ترکیه» در نظر گرفته شوند؟

اگر پاسخ «بله» است، سؤال دوم خود را به بحث وارد می‌کنیم: هدف احتمالی چنین دایاسپورای وسیعی که مرزهای آن به اندازه مرزهای امپراتوری‌های پیشامدرن مبهم است، چیست؟ چه نوع سیاستی می‌تواند به طور معقولانه با آن درگیر شود؟ آیا همانطور که برخی از نویسندگان در ادبیات انتقادی دایاسپورا مطرح می‌کنند، شکل

1. The Turkish Cooperation and Coordination Agency (TIKA, Türk İşbirliği ve Koordinasyon Ajansı)



جدیدی از ملت‌سازی گسترده و فراملی شده به‌ویژه در کشورهای نوظهور مانند هند، چین، روسیه یا ترکیه، به عنوان تلاشی برای افزایش قدرت و حضور جهانی است؟ تلاش برای ساختن یک جامعه جدید به همان شیوه‌ای که توسط «نخبگان سیاسی و فرهنگی» ساخته می‌شود، همانطور که کینگ و ملوین پیشنهاد می‌کنند، و در نتیجه فرصت‌های جدیدی برای افرادی که ارتباطی با ترکیه دارند ایجاد می‌کند؟ آیا این تلاش ترکیه‌ای است که در آن اصلاحات صورت گرفته و می‌خواهد دوباره با تمام جوامعی که توسط نخبگان ملی‌گرای سابق مورد آزار و اذیت قرار گرفته یا نادیده گرفته شده، یا به دیده تحقیر دیده شده‌اند، ارتباط برقرار کند؟ آیا می‌تواند بیشتر یک برداشت ایده‌آلیستی از دایاسپورا باشد؟ همانطور که یک بوروکرات برجسته در ریاست جمهوری گفت که احساسات در این سیاست‌ها واقعاً نقش دارند: «در اینجا یک پازل از تاریخ ما وجود دارد، ما اکنون در تلاشیم تا این قطعات را کنار هم بیاوریم. این کار ماست. این در مورد احساسات ماست. برخلاف غربی‌ها، ما برای جنبه عاطفی روابط ارزش قائل هستیم. نخست وزیر اردوغان نمونه خوبی از این مورد است. ما حسن نیت فرهنگی داریم. ما می‌توانیم از طریق احساسات تأثیر زیادی داشته باشیم.»

این پرسش‌ها به تنش‌هایی که بر سر راه سیاست دایاسپورا وجود دارد اشاره می‌کند. از نظر سنت‌های ایدئولوژیک، پان‌ترکیسم، پان‌اسلامیسم و سیاست‌های شهروندی مدرن، به جهان‌های سیاسی بسیار متفاوت تعلق دارند. آن‌ها همچنین درک بسیار متفاوتی از مفهوم شهروندی دارند. علاوه بر این، تنش آشکاری در رویکردهای دولتی نسبت به کسانی وجود دارد که مجبور به ترک ترکیه شده‌اند و تصورات منفی از کشور مبدا خود دارند. آیا می‌توان تصور کرد که دولت حزب عدالت و توسعه توانسته است این سنت‌های مختلف ایدئولوژیک را با هم آشتی دهد؟



## یک سیاست دایاسپورای سازنده برای ملت - جهانی؟

### ریاست جمهوری<sup>۲</sup> برای ترک‌های خارج از کشور و جوامع مرتبط

آژانس ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۰ به دستور مستقیم نخست وزیر رجب طیب اردوغان و توسط گروهی از مشاورانش که بودجه خوبی دریافت کرده بودند، تأسیس شد. هدف این آژانس این بود که خدمات ارائه شده توسط چندین وزارتخانه به مهاجران ترک زیر سقف یک آژانس واحد بوده و در عین حال کانال‌های جدید تعامل با جوامع مختلف ترکیه ایجاد شود. با تأسیس ریاست جمهوری، چشم انداز سازمان‌های دولتی مرتبط با دایاسپورا در ترکیه پیچیده تر و شلوغ تر شده است. با حدود ۱۲۰ کارمند متخصص، آژانس ریاست جمهوری دارای سه بخش کلیدی است که برخی از جنبه‌های مختلف جوامع دایاسپورا را منعکس می‌کند:

- بخش شهروندان ترک مقیم خارج از کشور
- بخش روابط فرهنگی و اجتماعی که به مسائل قومیتی و جوامع مرتبط می‌پردازد.
- بخش بورسیه‌های ترکیه که به دانشجویان به ویژه از کشورهای در حال توسعه اعطا می‌شود.

طیف بسیار گسترده جوامع دایاسپورا و چالش‌های عملیاتی کردن سیاست‌های دایاسپورا به طور کامل در پلاس ۹۰، مجله سه ماهه ریاست جمهوری منعکس شده است. این مجله که به صورت چاپی و آنلاین در دسترس است، داستان‌هایی در مورد مهاجران از ترکیه به اروپای غربی و ایالات متحده، مشکلات و دستاوردهای آن‌ها ارائه می‌کند.

علاوه بر داستان‌های زندگی و زندگی‌نامه‌های ذکر شده، این مجله شامل دو بخش مجزای دیگر است. داستان‌های مجله در هر شماره، موضوعی را برجسته می‌کند که تصور می‌شود برای جوامعی که مجله به آن‌ها می‌پردازد، اهمیت دارد. در داستان‌های مجله، سه موضوع برنامه‌ای به طور مکرر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- تبعیض در اروپا
- جذب و فرزندخواندگی
- امپراتوری عثمانی



رایج‌ترین بحث در مورد نژادپرستی، بیگانه‌هراسی و اسلام‌هراسی در کشورهای اروپایی، تأثیر آن بر جوامع ترک آنجا و تلاش برای کنترل آن است. در اینجا در مقابل مفاهیمی نظیر همسان‌سازی، بر اسلام‌هراسی و نیاز به دفاع از ارزش‌های اسلام و ارزش‌های ملی تأکید می‌شود. تأکیدات نژادپرستانه و حمایت ترکیه از شهروندانش در روابطش با سایر کشورها، محوری است. این حمایت‌ها و تأکیدات در صحبت‌های یک کارمند ارشد دولتی در ریاست جمهوری منعکس شده است: «زمانی که هشت نفر در آتش‌سوزی در آلمان کشته شدند، ما حضور داشتیم و انتقال تابوت‌ها را مدیریت کردیم. آنجا حضور داشتیم و بر تحقیقات نظارت داشتیم. کشور آلمان این کار را می‌کرد، ما هم این کار را کردیم.» انتقاد از سازمان‌های رفاه اجتماعی به ویژه در آلمان و هلند یکی دیگر از نگرانی‌های دولت ترکیه بود. خصوصاً مواردی که در آن فرزندان خانواده‌های ترکی که در از لحاظ اجتماعی در حاشیه بودند، به زوج‌های مسیحی و یا همجنسگرا داده می‌شد. این موارد با جزئیات زیاد در این مجله مورد بحث قرار گرفته و در آن مصاحبه‌های والدینی که استدلال می‌کنند فرزندان‌شان بدون دلیل کافی از آن‌ها گرفته شده، وجود دارد.

در نهایت، سومین موضوعی که مورد توجه قرار می‌گیرد، میراث امپراتوری عثمانی و همچنین سنت‌های فرهنگی است که به عنوان سیمانی مردم را در بالکان، خاورمیانه و فراتر از آن به هم پیوند می‌دهد. مقالاتی در مورد معماری عثمانی و آداب و رسوم اجتماعی مانند آیین‌های عروسی، و همچنین داستان‌های تاریخی در مورد نقش سلاطین عثمانی و مشارکت آن‌ها در قانون و مذهب، در این دسته قرار دارند. این موضوعات مربوط به یک مسئله است و آن، ادغام فرهنگی است، در اینجا ریاست جمهوری بر اساس دیدگاه نخست وزیر اردوغان موضعی مصالحه‌ای را در پیش می‌گیرد: ادغام، یادگیری زبان کشور محل اقامت و رعایت قوانین آن. درحالی‌که یکسان‌سازی و تحمیل سبک زندگی‌ای که در تضاد با «ارزش‌های فرهنگی ترکی» است با ارزش‌های محافظه‌کارانه ناسازگار تلقی می‌شود و بنابراین رد می‌شود. کمال یورتناچ، رئیس جمهور سابق، ادغام را فرآیندی دو طرفه می‌داند که در آن هر دو طرف باید برای تغییر تلاش کنند، در حالی که باید به ارزش‌های فرهنگی و مذهبی مهاجران احترام گذاشته شود و فرصت‌های برابر برای تازه واردان فراهم شود. اصرار او بر ویژگی‌های فرهنگی و جوهره دینی به وضوح در بیانیه‌اش نشان داده می‌شود که گفته است، از نظر فرهنگی نباید یکسان‌سازی وجود داشته باشد.



با این طیف از مضامین، می‌توانیم جهان ایدئولوژیکی ریاست جمهوری را تا حد زیادی مطابق با سیاست‌های داخلی و خارجی کنونی ترکیه بدانیم. این سیاست‌ها را می‌توان، به لحاظ اجتماعی محافظه‌کارانه، از نظر مذهبی مسلمان، به لحاظ فرهنگی، نوستالژیک (برای امپراتوری عثمانی)، از نظر قومیتی، جهان‌وطنی، و بالقوه پساملی‌گرا توصیف کرد. مفاهیم قومی-ناسیونالیستی و قومی-نژادگرایانه از ترک بودن به ندرت در پلاس ۹۰ و منابع بررسی وظایف ریاست جمهوری، ظاهر می‌شود. از این زاویه، واقعاً می‌توان در مورد این رویکرد دولت ترکیه، در قالب یک سیاست دایاسپورایی که هدف آن تشکیل جوامع در خارج از کشور است، فکر کرد. تصویری از مفهوم جدید شهروندی که در دهه گذشته توسط دولت AKP ترویج شده بود و اکنون به طور فزاینده‌ای در ترکیه رواج یافته است. یک کارمند ارشد دولتی در ریاست جمهوری این مفهوم از دایاسپورا را به عنوان «فضای مشترکی که به وضوح قابل تعریف نیست» توصیف می‌کند. شاید برای تعریف این مفهوم از دایاسپورا باید به فعالیت‌های افراد دایاسپورا نگاه کرد. که این فعالیت‌ها مدام در حال تغییر است و این فرایند دایاسپوراست. به عنوان مثال، سومالیایی‌ها در حال حاضر دیدگاه بسیار خوبی نسبت به ترکیه دارند، که بر نحوه تعامل جوامع سومالیایی و ترک در ایالات متحده یا جاهای دیگر نیز تأثیر می‌گذارد. این شکلی از شهروندی است. پروژه‌های ظرفیت‌سازی برای جامعه مدنی، یکی دیگر از زمینه‌های مهم فعالیت است. ریاست جمهوری برنامه‌های متعددی برای حمایت از سازمان‌های غیردولتی ترکیه در خارج از کشور دارد. مثلاً بودجه حدود ۳۰ میلیون لیری (تقریباً ۱۰ میلیون یورو) به پروژه‌های آموزشی و ظرفیت‌سازی در زمینه‌های کلیدی مانند آموزش وکلا اختصاص داده است که امید است در پرونده‌های حقوقی مانند موارد فرزندخواندگی و رفاه اجتماعی، و حمایت از رهبران جوان جوامع ترک از طریق کارگاه‌ها و سفر به ترکیه، نماینده ترک‌ها باشند.

حداقل از نظر تئوری، این تصویر از دایاسپورا است که آن را به عنوان گسترده‌ترین طیف از ویژگی‌های سیاست دایاسپورا تعریف می‌کند، به مقوله «دولت ملی-جهانی»<sup>۱</sup>، نزدیک‌تر است. و این تصویر، به جمعیت‌های خارج از کشور حقوق بیشتری را ارائه می‌دهد. آن‌ها لابی‌گری را تشویق می‌کنند، به طور عمومی سندی را فراهم می‌کنند که منابع ملی را تأیید می‌کنند و رفاه را برای عودت‌شوندگان و سازماندهی کنفرانس‌های دایاسپورا فراهم می‌کنند.

1. global-nation state



## فرصت‌ها و چالش‌ها

با نگاه کلی به مجله به عنوان پرچمدار ریاست جمهوری، و با توجه به اینکه ریاست جمهوری تاکنون تنها برای مدت کوتاهی فعالیت داشته و هنوز در مرحله تثبیت است، می‌توانیم به چند نتیجه موقت برسیم؛

اول از همه، تمرکز کار ریاست جمهوری به وضوح بر جوامع ترک در اروپای غربی و به ویژه تقویت ساختارهای جامعه مدنی آن‌ها، و همچنین بر خدمات برای جوامع‌شان در بالکان و آسیای مرکزی است. دوم اینکه، با توجه به وظیفه عظیمی که فقط این دو حوزه فعالیت نیاز دارند، تعداد کارکنان موجود در بخش‌ها هنوز نسبتاً کم است. به عنوان مثال، اداره شهروندان ترکیه در خارج از کشور حدود ۳۰ کارشناس را استخدام می‌کند. که با توجه به تعداد تقریباً پنج میلیون شهروند ترک (یا شهروندان سابق ترکیه) تنها در اروپای غربی، این در واقع یک تیم نسبتاً کوچک و یک ظرفیت سازمانی بسیار محدود است.

ثانیاً، دیدگاه سیاسی ریاست جمهوری که در پلاس ۹۰ منابع بررسی وظایف ریاست جمهوری و در سخنرانی‌های عمومی وجود دارد، توسط گروه بزرگی از شهروندان ترکیه در اروپای غربی به خوبی پذیرفته می‌شود. با این حال، بعید است که همین دیدگاه برای جوامعی که در دوره‌های قبل به اجبار از سرزمین اجدادی خود دور شده‌اند، مانند ارمنی‌ها و کردها که به عنوان دشمنان بالقوه دولت در نظر گرفته شده‌اند، جذاب باشد.

سازمان‌های قوی شیعی در اروپای غربی نیز به این مفهوم از دایاسپورا نگاه مثبتی ندارند، اگرچه این مفهوم فراگیرتر و انعطاف‌پذیرتر از تصورات قومی-مذهبی و قومی-نژادی شهروندی در دوران جمهوری کمالیستی به نظر می‌رسد. هم چالش‌های مربوط به ظرفیت این سیاست و هم گسترش دادن آن ممکن است یکی از سخت‌ترین موضوعاتی باشد که ریاست جمهوری باید در آینده نزدیک با آن‌ها رو به رو شود.

حوزه تنش‌آمیز دیگری که از این تحلیل بیرون می‌آید، تضاد بین تصورات ریاست جمهوری از ترک بودن و سیاست مهاجرت/ادغام در کشور محل اقامت است. با اطمینان می‌توان گفت که این حضور فزاینده ترکیه - چه از طریق ریاست جمهوری و چه از طریق دیدارهای منظم تصمیم‌گیرندگان ترکیه - فرصت بسیار خوبی برای بسیاری از شهروندان ترکیه در اروپای غربی است. به ویژه در مورد آن دسته از شهروندان ترکیه‌ای است که مدت‌هاست در کشورهای محل سکونت خود مورد تبعیض قرار



گرفته‌اند و اغلب احساس می‌کنند مورد بی‌توجهی ترکیه قرار گرفته‌اند. با این حال، هنجارهای اجتماعی و فرهنگی پیش‌بینی شده توسط ریاست جمهوری به راحتی با هنجارهای رایج در برخی از کشورهای محل اقامت مطابقت ندارد. نمونه بارز آن موارد فرزندخواندگی و اصرار رئیس‌جمهور و مقاماتی مانند نخست‌وزیر رجب طیب اردوغان است که ترک‌های خارج از کشور هم باید به ارزش‌های فرهنگی خود پایبند باشند و هم در برابر همسان‌سازی بایستند. این امر به‌خصوص در آلمان و هلند که ترس از مداخله در سیاست‌های شهروندی و هویتی در آن‌ها گسترده است، مکرراً منجر به ایجاد ترس شده است. این ترس‌ها و انتقادهای باید در تدوین سیاست‌های آتی ریاست جمهوری جدی گرفته شود. از نظر شمولیت، می‌توان دید که ریاست جمهوری دایره ترکیب جهت‌گیری‌های مختلف ایدئولوژیک - پان‌ترکیسم، سیاست‌های شهروندی، پان‌اسلامیسم - را به‌گونه‌ای عمل‌گرایانه و نه منقادکننده، انجام داده است. قیمت این ترکیب عمل‌گرایانه ممکن است ضعف تمرکز در فعالیت‌هایش باشد، به‌ویژه اگر به یاد بیاوریم که تنها گروهی که جمهوری ترکیه مسئولیت مستقیم آن‌ها را بر عهده دارد، دارندگان پاسپورت ترکیه یا سایر اسناد مانند کارت آبی (برای شهروندان سابق) هستند و تنها به آن‌ها حق شهروندی می‌دهد. برای ایجاد یک دایاسپورای قوی از ترکیه - احتمالاً متشکل از جوامع تأثیرگذاری که در خارج از کشور در ارتباط با ترکیه هستند، و بازیگرانی که مایل هستند به ترکیه خدمات ارائه کنند و همچنین بازیگرانی که در ارتباط با منافع ترکیه در کشورهای محل سکونت خود هستند - باید به این تنش پرداخته شود. به‌گونه‌ای که قابل‌مدیریت، کارآمد و فراگیر باشد.

پنجمین و آخرین چالش، مسئله همپوشانی نهادی و مراجع تکراری است. ارائه‌دهنده خدمات اصلی برای شهروندان ترکیه در خارج از کشور، وزارت امور خارجه از طریق کنسولگری‌های آن است. اختیارات ریاست جمهوری بسیار محدودتر است زیرا هیچ خدمات مستقیمی مانند صدور گذرنامه یا گواهی تولد ارائه نمی‌کند. از نظر توسعه جامعه مدنی و حمایت از سازمان‌ها یا رویدادهای ترکیه، وظایف کنسولگری‌ها و ریاست جمهوری به وضوح با هم همپوشانی دارند. توسط فرهنگ‌های سازمانی مختلف مخدوش شده است. ریاست جمهوری نهادی بسیار جدیدتر است که مشخصه آن تعامل قوی با مبانی ایدئولوژیک حزب عدالت و توسعه و روابط شخصی با نخست‌وزیر است، در حالی که وزارت امور خارجه توانسته از بخشی از خودمختاری خود دفاع کند و به عنوان نماینده دولت و منافع دولتی، بدون توجه به فردی که در قدرت است، خود را بیشتر بیان کند.





## کجا باید تاکید کرد؟

### توصیه‌های سیاستی برای دایاسپورای فراگیر ترکیه

ریاست جمهوری برای ترک‌های خارج از کشور و جوامع وابسته در واقع یک آژانس با پتانسیل بسیار زیاد است که کار آن می‌تواند یک فرصت برد-برد برای ترکیه ایجاد کند - یعنی با افزایش حضورش در خارج از کشور از اینکه شهروندانش می‌توانند از فرصت‌های برابر در زمینه تحصیل و شهروندی و مشارکت سیاسی بهره‌مند شوند، اطمینان حاصل کند. با این حال، برای دستیابی به این هدف، باید به زمینه‌های تنش‌آمیزی که اشاره شد، پرداخته شود. ما سه حوزه را می‌بینیم که در آن‌ها اقدامات هماهنگ می‌تواند اختلافات را پایان دهد: فراگیری، مشارکت و ظرفیت.

### فراگیر بودن<sup>۱</sup>

تصمیم‌گیرندگان ریاست جمهوری در ارتباطات خصوصی خود به صراحت اعلام کردند که مادامی که قاطعانه مخالف همکاری با دولت ترکیه نباشند، آماده همکاری با تمام گروه‌های دایاسپورای ترکیه در خارج از کشور هستند. همانطور که یک تصمیم‌گیرنده در ریاست جمهوری در مورد شهروندان شیعی و کرد در خارج از کشور تاکید کرد: «ارتباط با برخی از آن‌ها ممکن است چندان خوشایند نباشند، زیرا با آن‌ها ارتباط دولتی وجود دارد. اما درهای کشور ما به روی آن‌ها باز می‌باشد. این در نهایت به موقعیت آن‌ها [در مقابل دولت ترکیه] بستگی دارد.» علیرغم این صراحت گزارش شده، تمرکز فعالیت‌های ریاست جمهوری تاکنون، هم از نظر زبان سیاسی و هم از نظر بقایای افکار ناسیونالیستی، این تصور را در میان بخش‌هایی از ترک‌های خارج از کشور ایجاد کرده است که بیشتر علاقه‌مند به همکاری با سنی‌های محافظه‌کار - بخش اصلی مسلمانان ترکیه در خارج از کشور - است. این ممکن است درست باشد یا نباشد، اما این یک واقعیت است که اکثر جوامع کرد، شیعی و ارمنی هرگز باور نکرده‌اند که اگر بخواهند با ریاست جمهوری ارتباط داشته باشند، از آن‌ها استقبال می‌شود. دولت ترکیه اخیراً با گشایشی که نسبت به ترک‌ها و علویان داشته و همچنین با



همدردی نخست وزیر اردوغان به آرامنه در آوریل ۲۰۱۴، رویکردی به ظاهر فراگیرتر را در داخل دنبال کرده است. به همین دلیل، هنوز هم می‌توان حداقل ظرفیت‌هایی را برای یک مفهوم فراگیرتر از شهروندی در ترکیه مشاهده کرد که فراتر از تصورات کمالیستی از ترکی بودن است و منحصرأً به مفاهیم قومی نژادی و تصورات اسلام‌گرایانه ترکی که به سنی‌ها منحصر می‌شود، نیست. حداقل در تئوری، اینها نقاط عزیمت مهمی هستند که ریاست جمهوری می‌تواند از آن‌ها استفاده کند.<sup>۱</sup>

ریاست جمهوری می‌تواند برخی از کارشناسان خود را برای ایجاد کانال‌هایی برای همکاری در داخل این جوامع ایجاد کند تا از اینکه آن‌ها به عنوان شهروندان فعلی یا سابق ترکیه از این همکاری استقبال می‌کنند و احساس نماینده بودن می‌کنند، اطمینان حاصل کند. این عمل تأثیر مفیدی در کاهش درگیری‌های درون جامعه در کشورهایمانند آلمان و فرانسه خواهد داشت، جایی که روابط به ویژه بین جوامع ترک، کرد و ارمنی اغلب مملو از تنش است. گفته احمد داوود اوغلو وزیر امور خارجه ترکیه مبنی بر اینکه «نه تنها ترک‌ها، بلکه همه کسانی که از این سرزمین‌ها مهاجرت کرده‌اند، دایاسپورای ما هستند». اگر این رویکرد در ریاست جمهوری جهانی شود، تأثیر بسیار مطلوبی برای مهاجران ترکیه خواهد داشت.

## مشارکت<sup>۲</sup>

کار ریاست جمهوری در کشورهایمانند آلمان، اتریش یا هلند موثرتر خواهد بود، البته اگر به عنوان بخشی از یک تلاش مشترک در جهت بهبود کیفیت زندگی شهروندان ترکیه در کشورهای محل اقامت خود در نظر گرفته شود و به عنوان یک کشور مداخله‌گر ثالث تلقی نشود. تنش‌هایی که در زمینه هنجارهای اجتماعی و فرهنگی واگرا، که در بخش قبل ذکر شد، به وجود آمده است، نیاز به رسیدگی دارد و برخی کارهای تبلیغاتی برای

۱. البته این امر مستلزم آن است که ریاست جمهوری با آذربایجان مستقیماً علیه مهاجران ارمنی همکاری نکند، زیرا این امر پایه‌های اعتماد بین شهروندان ارمنی ترکیه در خارج از کشور و ریاست جمهوری را از بین می‌برد.

توضیحات: تلاش دولت ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا و تلاش بی‌نتیجه آن برای تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای و جهانی، پرداختن نمادین به مسئله نسل‌کشی را ضروری ساخته بود. اما در عمل، تنها تغییری که در موضع انکار دولتی روی داده این است که از انکار سفت و سخت کمالیست‌ها به «انکاری ظریف و پیچیده» رسیده‌ایم.



این منظور مناسب به نظر می‌رسد. برای این هدف، ریاست جمهوری می‌تواند یک گروه کاری متشکل از کارشناسان را که ترجیحاً در کشورهای مورد نظر تحصیل کرده‌اند، به حوزه توسعه جامعه مدنی خود اضافه کند. این امر تلاش برای توضیح نگرانی‌های ریاست جمهوری برای مواردی مانند فرزندخواندگی را، به زبانی که در بافت فرهنگی متفاوت اروپای غربی قابل درک‌تر است برای بسیاری از خانواده‌های ترک در خارج از کشور را تسهیل می‌کند. بسیار مهم است که ریاست جمهوری بتواند در بحث‌های عمومی در کشورهای محل اقامت شهروندانش صحبت کند. ارائه همکاری نزدیک بین کارشناسان و وزارتخانه‌ها و مخاطبین رسانه‌های هدفمند در کشورهای محل اقامت ممکن است نقطه شروع خوبی باشد. بعلاوه، ریاست جمهوری می‌تواند تمرکز عملیات را از موضوعات مربوط به ویژگی‌های فرهنگی، مانند موارد فرزندخواندگی، به مسائل حقوق برابر و ضد تبعیض تغییر دهد و همچنین به دنبال ائتلاف‌های جدید برای این منظور باشد. همکاری با کمیسیون اروپا و آژانس‌های تابعه و همچنین دادگاه اروپایی حقوق بشر گام‌های معقولی برای رسیدن این هدف خواهد بود.

## ظرفیت<sup>۱</sup>

به عقیده من، هر دو موارد ذکر شده افزایش شمولیت و همکاری، سیاست دایاسپورای ترکیه و تلاش این کشور برای افزایش کیفیت زندگی شهروندان خود در خارج از کشور و جوامع مرتبط با ترکیه را تقویت خواهد کرد و این امر از طریق روابط تاریخی بیشتر تقویت می‌شود. این موضوع برای سیاست‌های دایاسپورای ترکیه اهمیت زیادی دارد زیرا، کشورهای عضو اتحادیه اروپا با موج جدیدی از جنبش‌های بیگانه‌هراسی و اسلام‌هراسی روبرو هستند که احتمالاً منجر به سیاست‌های تبعیض‌آمیز بیشتری می‌شود. بنابراین، مهم است که ترک‌های خارج از کشور بتوانند در صورت لزوم به حمایت ترکیه اعتماد کنند. بعلاوه، ریاست جمهوری اگر بتواند با تمام اعضای دایاسپورای ترکیه ارتباط برقرار کند، می‌تواند نقش مهمی در رسیدگی به درگیری‌های نهفته بین جوامع مختلف داشته باشد و در نتیجه نمونه‌ای از آینده ترکیه به عنوان یک جامعه باز باشد. با این حال، چنین توسعه‌ای مستلزم افزایش ظرفیت کارکنان و بودجه و تعداد بیشتری از کارشناسان بومی کشورهای محل اقامت شهروندان ترکیه است. در



این زمینه، توجه به دو مسیر توسعه‌ای حائز اهمیت است. اولاً، ریاست اتباع ترکیه در خارج از کشور باید بتواند وظیفه‌اش، که بهبود کیفیت زندگی شهروندان خارج از کشور است، یعنی افرادی که می‌توانند در انتخابات ترکیه رای دهند، را انجام دهد. ثانیاً، جوامعی که دولت زمانی به آن‌ها مشکوک بود، به‌طور کامل در کار ریاست جمهوری گنجانده شوند. که اگر هدف جامعیت باشد، این امر اجتناب‌ناپذیر است و ممکن است یک بخش اختصاصی برای این منظور ایجاد شود. با این خطوط کلی و گسترش آتی ریاست جمهوری، ترکیه می‌تواند نمونه‌ای برای یک سیاست دایاسپورایی پساملی‌گرا باشد که فراگیر است و کانال‌های جدیدی از فرصت‌ها را برای همه مهاجران ترک از ترکیه ایجاد می‌کند، خواه آن‌ها که داوطلبانه ترک کرده باشند خواه آن‌ها که مجبور به ترک شده باشند. این امر هم‌چنین انگیزه‌ای برای آشتی و حل مناقشات بین بسیاری از جوامع ترکیه در خارج از کشور ایجاد می‌کند. با این حال، باید به خطر تکرار و تداخل مسئولیت‌ها و اختیارات بین ریاست جمهوری و وزارت خارجه پرداخته شود.

## نتیجه

ریاست ترکان خارج از کشور و جوامع وابسته، تبلور نهادی سیاست جدید ترکیه در مورد دایاسپورا است. این آژانس در سال ۲۰۱۰ تأسیس شد و در برهه‌ای است که در حال تثبیت فعالیت‌های خود است و می‌تواند تفاوت عمده‌ای در رفاه بسیاری از دایاسپوراهای ترکیه و جایگاه بین‌المللی ترکیه که اخیراً با یک سری چالش‌ها مواجه بوده است ایجاد کند. دو چیز می‌تواند این امر را ممکن و تسریع کند؛ افزایش نفوذ سیاسی نژادپرستی و اسلام‌هراسی در اتحادیه اروپا و رشد بالقوه مفاهیم شهروندی، تعلق و هویت در ترکیه. ریاست جمهوری تاکنون خلاقیت و عزم زیادی در ترکیب سنت‌های مختلف سیاسی و نقاط مرجع ایدئولوژیک نشان داده است که برای ایجاد نهادی کارکردی که مسئولیت رفاه جوامع دایاسپورایی خود در خارج از کشور را دارد موثر باشد. با این حال، مجموعه‌ای از تنش‌ها در کشورهای اروپای غربی غالب شده است که این تنش‌ها از این منظر است که رفتار متفاوتی با شهروندان جوامع مختلف دارند. برای غلبه بر این تنش‌ها، ریاست جمهوری می‌تواند قدمی فراتر بگذارد تا با تمام جوامع دایاسپورایی که با ترکیه دوستی دارند یا به دلیل وضعیت شهروندی خود از حمایت و خدمات برخوردار هستند، تماس بگیرد. چنین گام فراملی و انسان‌گرایانه



از دایاسپورا که همه کسانی را که در کشور خود سهم دارند به مشارکت در آینده کشور دعوت می‌کند، می‌تواند به جایگاه بین‌المللی ترکیه به‌عنوان جامعه‌ای باز که می‌خواهد فراتر از درگیری‌های تاریخی و اخیر خود حرکت کند، کمک کند. برعکس، یک سیاست انتخابی در دایاسپورا که رفتارهای متفاوتی با جوامع دارد و بودجه را فقط در اختیار گروه‌های ترجیحی قرار می‌دهد، دقیقاً اثر معکوس خواهد داشت. این امر باعث تشدید تضادهای اجتماعی موجود در شهروندان خارج از کشور ترکیه می‌شود. انتخابات ریاست جمهوری در اوت ۲۰۱۴ نمونه خوبی در این زمینه است. در طول مبارزات انتخاباتی نخست وزیر اردوغان به ویژه در آلمان و اتریش، ریاست جمهوری نقش برجسته‌ای در بسیج شهروندان ترکیه ایفا کرد. با این حال، چالش ظرفیت و شمولیت در اینجا نیز وجود داشت؛ تلاش‌های قابل توجهی برای وارد کردن مهاجران ترک به دامن سیاست‌های انتخاباتی ترکیه انجام شد، و بر کسی پوشیده نبود که نخست‌وزیر روی حمایت رای‌دهندگان در اروپا حساب می‌کرد. ده‌ها هزار شهروند ترکیه‌ای که برای دیدن حضورهای اغلب حماسی اردوغان در آلمان آمده بودند، امیدها را برای مشارکت رای‌دهندگان تقویت کرد. با این حال، این تظاهرات عظیم، ذهنیتی را نیز ایجاد کرد که گویی، ترک‌های خارج از کشور به‌عنوان «ستون پنجم» آنکارا ظاهر شدند. این ذهنیت، به‌ویژه برای کسانی که قبلاً احساسات ضد مهاجرتی یا ضد مسلمانان را در خود داشتند، بیشتر شد. اتفاق مهمی که رخ داد، این بود که مشارکت ترک‌های خارج از کشور در انتخابات شکست خورد. کمتر از ده درصد از ۲٫۷ میلیون شهروند ترک خارج از کشور که حق رای داشتند، ثبت‌نام کردند و حتی تعداد کمتری در انتخابات واقعی شرکت کردند. یک عضو دولت دلیل این مشارکت کم را فرآیندهای پیچیده ثبت نام و به‌طور ضمنی‌تر، عدم همکاری کنسولگری‌ها می‌داند. با این حال، احتمال بیشتری وجود دارد که دلیل آن در جای دیگری باشد؛ بسیاری از ترک‌ها در اروپا ممکن است با رئیس‌جمهور آینده ترکیه ارتباط عاطفی خوبی داشته باشند و برای او احترام زیادی قائل باشند. اما وقتی صحبت از رفتار سیاسی می‌شود، به نظر می‌رسد که آن‌ها کمتر به مشارکت در محیط قطبی شده ترکیه علاقه‌مند هستند و رغبت بیشتری به مشارکت در سیاست دموکراتیک کشورهای محل اقامت خود دارند. از این رو، پرونده انتخابات ریاست جمهوری، محدودیت‌های سیاست دایاسپورا ترکیه را به ما یادآوری می‌کند. بازیگران آینده در ریاست جمهوری باید این محدودیت‌ها را در نظر بگیرند. ایده سیاست دایاسپورا ترکیه به‌عنوان یک «ملت-جهان» انحصاری و پسااملی‌گرا، اما



پسا فرقه‌ای، قطعاً هنوز واقعیت خارجی ندارد. اما یک پتانسیل فوق‌العاده‌ای است که در عین حال خطرات و رقابت بین شهروندان و غیرشهروندان را نیز به همراه دارد. سیاست‌های دایاسپورای ترکیه در آینده نیاز به بازیگرانی دارد که چشم‌اندازی بزرگ، همراه با مسئولیت‌پذیری تعهد و واقع‌گرایی داشته باشند.